

هو العليم

توصیه های حضرت آیه الله حاج سید محمد
محسن حسینی طهرانی پیرامون ماه رجب و
اعمال لیلة الرغائب

جلسات شرح حدیث عنوان بصری

بسم الله الرحمن الرحيم

متن ذیل فراهایی از بیانات حضرت آیه الله حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی می باشد، که پیرامون خصوصیات ماه رجب و اعمال آن و اعمال لیلہ الرغائب در مجالس شرح حدیث عنوان بصری ایراد گردیده است، که به جهت اهمیت مطلب آنرا به صورت این مقاله خدمت عزیزان تقدیم می کنیم:

همان طوری که دأب و دیدن مرحوم آقا (حضرت علامه طهرانی) - رضوان الله علیه - بود قبل از ماه رجب ایشان یک مطالبی را می فرمودند. دوستانشان را جمع می کردند و راجع به اهتمام ماه رجب ایشان مطالبی را می فرمودند. آن چه را که من بدون توجه به روایات و احادیثی که در فضیلت ماه رجب آمده است از تجربیات شخصی خودم با مرحوم آقا - رضوان الله علیه - و سایر بزرگان به یاد دارم این است که در تمام ایام سال ایشان به این ماه رجب از همه شهرها و ماهها اهتمام بیشتری داشتند. حتی از ماه رمضان هم اهتمام این بزرگان به ماه رجب بیشتر بود و عبارت ایشان این بود که ماه رمضان برای عامه مردم انفع است و نفع بیشتری دارد ولی ماه رجب برای خصوص سالکان الی الله این نفعش از ماه رمضان بیشتر است و تأثیراتی که در ماه رجب بر نفس وارد می شود آن تأثیرات، تأثیرات عمیق تریست، تأثیرات زیر بنایی تریست از آن چه که در سایر ایام الله که شعبان و رمضان و یا فرض بکنید که در آن ذی القعدة به خصوص دهه اول ذی الحجّه که بسیار آن جلوات و جذبات خاصی دارد در آن عشر اول ذالْحجّه، این ماه رجب از همه آنها مهمتر است و خود ایشان هم در ماه رجب یک تغییراتی داشتند، ایشان به طور کلی در زندگیشان، در اعمال شخصی خودشان و توصیه به مراقبت بیشتری می کردند به رفقاییشان و به دوستان و می فرمودند: ماه رجب ماه الهی است، در ماه خدا غیر خدا را نباید انسان داخل کند، مراقبه اش را در این ماه باید بیشتر کند، کلامش را در این ماه باید منضبط تر قرار بدهد، هر حرفی را نزند، هر مطلبی را نگوید، حتی مسائل عادی، حرفهای عادی، اینها در این ماه مضرند. هر چه در این ماه حالت سکوت و آرامش بیشتر باشد واردات بیشتر خواهد ملائکه در جایی که تشویش و اضطراب است نمی آیند، ملائکه در جای سکون و آرامش می آیند، ملائکه در جایی که دائماً محلّ جولان فکر و تخیلات و خیالات (است نمی آیند)...؛ این آن را گفت، آن آن را گفت، این به من این حرف را زد، چرا آن نسبت به من این فکر را کرد؟ من این جوابش را بدهم، با این اینجور صحبت کنم اینها به درد ماه رجب نمی خورد. اگر شخصی با این تصوّرات و تخیلات داخل در ماه رجب بشود نصیبی نخواهد داشت. پس شرط اولی را که مرحوم آقا ذکر می فرمودند این است که انسان قلب خود

را از هر چه که تا به حال با او بوده پاک کند و بدون این فایده ندارد، هیچ فایده‌ای ندارد. هر چه ذکر بگوید فایده ندارد، هر چه توجه کند فایده ندارد، چرا؟ چون این توجه و ذکر توجه صورست، توجه عمقی نیست، عمق خراب است، عمق در او تشویش است، عمق در او هوا و هوس است، عمق در او تکثرات است، عمق در او توغّل در کثرات است، فایده ندارد، فقط از یک صورت ظهور پیدا می‌کند و به همان صورت هم ختم می‌شود. پس بنابراین اولین کاری که سالک باید انجام بدهد این است که تصوّر کند در ماه رجب متولّد شده. بچه‌ای که تازه از مادر متولّد می‌شود دشمن دارد؟ هنوز کاری نکرده توی این دنیا، دشمن ندارد. آیا بچه‌ای که از مادر متولّد می‌شود کسی راجع به او حرف زده؟ کسی غیبتش را کرده؟ کسی فرض کنید که...؟ نه، تازه هنوز متولّد شده و نه دوستی پیدا کرده، نه دشمنی پیدا کرده، نه کسی را زده، نه به کسی بی‌احترامی کرده، نه شخصی نسبت به او بی‌احترامی کرده، هیچی هیچ گونه ارتباطی نداشته. انسان باید تصوّر کند که در ماه رجب متولّد شده و همچون بچه که در قلب و در نفس او هیچ چیزی وجود ندارد. بچه هیچ چیز نمی‌فهمد فقط گرسنه‌اش بشود صدایش در بیاید برای شیر خوردن همین، و الا هیچ چیز نمی‌فهمد حتی مادرش را هم نمی‌فهمد دیگر. البته یک احساس خاصی دارد اما... دیگر نه کینه‌ای در بچه است، نه بُغضی در بچه هست، نه حسدِ در بچه، نه حساسی هیچ چیزی نیست، فلهمذا مرحوم آقا تعبیر می‌کردند بچه تا چند ماه اصلاً فانی است، یعنی هیچ نوع تعلق به کثرت در او نیست. اگر می‌خواهید نگاه به فنا کنید که در فنا چه خبر است. نگاه به بچه شیرخوار کنید. کینه دارد؟ ابداء، نسبت به کی کینه دارد؟ حسد دارد؟ ابداء، بُغض دارد نسبت به کسی؟ ابداء، هر وقت گرسنه‌اش بشود گریه می‌کند، فقط همین. آدم فانی مگر غیر از این چیز دیگر است؟ نه در وجود او حقد است، نه حسد است، نه تعلق به دنیا است، نه تعلق به ماده است، نه تعلق به کثرات است، نه این را بگیرد، نه آن را بگیرد، نه نفعی الآن... الآن فرض کنید که به یک بچه بگویند: آقا! در فلان جا زلزله شد، خراب شد؛ اصلاً نمی‌فهمد می‌گوید: بابا من گرسنه‌ام شیرم را بدهید بخورم بخوابم. این چیه؟ می‌گویند: آقا فلان کس نماینده شد، فلان کس چیز شد. می‌گوید: آقا شیر من را بدهید بخورم، اینها مال خودتان، مبارک خودتان باشد. فقط نیازش در ارتباط با مبدأ محفوظ است و بقیه هیچ. آدم فانی فقط تعلقش با مبدأ است و دیگر هیچ در نفس او نیست. منتهی فرق بین بچه و بین فانی این است که بچه وقتی که برمی‌گردد تازه برمی‌گردد توی کثرات یکی یکی هی می‌آید سراغش، یکی یکی تعلقات، فانی وقتی که بقا پیدا می‌کند دیگر همه را از دست داده. این فرق بین این دو و باید ما برگردیم به همان جا، به همان جایی که آمدیم.

ماه رجب ماه فناء فی الله است، ماه خداست، شهر الله است. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: الرَّجَبُ شَهْرُ اللَّهِ وَ شَعْبَانُ شَهْرِي وَ رَمَضَانُ شَهْرُ أُمَّتِي. رجب ماه خداست، شعبان ماه من است که منظور ولایت است و رمضان ماه امت من است، ماه عموم امت من است. یعنی یک ارتباط خاصی بین نفوس و بین پروردگار در ماه رمضان هست که ماه امت است. ولی رجب شهر الله است، رجب، ماه، ماه خداست. اینکه دارد رجب ماه خداست یعنی یک حالت خاصی در ماه رجب برقرار است که از آن حالت خاص، اهل الله فقط استفاده می کنند، نه هر کس دیگر. استفاده های دیگران ضعیف است. اهل الله هستند که این ماه را می توانند درک کنند. یعنی جاذبه های مقام ربوبی و توحیدی و بارقه های توحیدی که سالک را زیر و رو می کند و تعلق سالک را از همه چیز قطع می کند و او را فقط متوجه به حقیقت توحید می کند و از همه آن تزییلات و فروعات و رشته ها و تعلقات و ارتباطات می بُرد، آن در ماه رجب است. حتی ماه رمضان هم این کار را انجام نمی دهد. ماه رمضان ماه رحمت است، ماه برکت است، ماه انبساط است، ماه غفران است، همه را خدا می بخشد. آن عمل زیر بنایی مال ماه رجب است. به درد سالک بخشیدن گناه نمی خورد، بخشیدن گناه این یک چیز است که ما اول چیز است که انتظارش را داریم از ائمه و از شفعا که بیایند شفاعت بکنند. آنچه که به درد سالک می خورد حالت انبساط و اینها نیست، آنچه که به درد سالک می خورد حالت بد است، اینها خیلی خوب است گیر کسی هم نمی آید، خیال نکنید ولی آنچه که به درد آن سالک واقعی که رندی که همه چیز را می خواهد در راه خدا بیازد و از همه چیز بگذرد و ژولیده و سر و پا برهنه فقط در حریم او بیاید دیگر در آنجا بخشش گناه و انبساط و بهجت و اینها نیست آن یک آتشی را می خواهد که بزند به وجودش و او را خاکستر کند این به درد سالک می خورد و این توی ماه رجب است. لذا می گویند رجب شهر الله است برای این که انسان آماده بشود برای ماه رجب اول چیزی را که مرحوم آقا دستور می دادند اشتداد مراقبه بود. سالک باید مراقبه اش را زیاد کند، سکوتش را زیاد کند، ارتباطش را با افراد به حداقل مروده و معاشرت برساند، با هر کسی صحبت نکند، نفوسی که گناه کار هستند در ارتباط با انسان اثر می گذارند، هر کدام یک اثری می گذارند خواهی نخواهی. رفتن هر جا و دیدن هر کس این برای انسان صحیح نیست. به عکس، زیارت مرضی، عیادت مرضی، رسیدگی به امور بیماران این سرعت می بخشد به حال انسان؛ صله رحم سرعت می بخشد؛ اگر بین دو نفر نقاری است انسان آن نقار را برطرف کند این اثر بسیار عجیبی دارد، بسیار اثر عجیبی دارد. بارها می فرمودند ایشان اگر شخصی اصلاح ذات البین را بکند، ممکن است بعضی از درهائی که به روی او بسته شده به

واسطه این باز بشود، خیلی اثر عجیبی دارد، اصلاح ذات‌البین. اصلاح ذات‌البین یعنی انسان شیطان را از بین دو نفر بیرون کند و خدا را بیاورد جایش دیگر، این معنا معنای اصلاح ذات‌البین. خیلی ایشان تأکید داشتند روی این مسأله، مسأله مراقبه به اصطلاح در ماه رجب. و روایاتی که در این زمینه هست روایات زیاد است در اینجا یکی دو تا روایت را من عرض می‌کنم خدمت دوستان که از پیغمبر اکرم روایت شده که می‌فرماید: **أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَصَبَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ مَلَكًا يَقَالُ لَهُ الدَّاعِي** «خداوند متعال در آسمان هفتم - این آسمان هفتم یک مسأله عجیبی است، نمی‌فرماید در آسمان اوّل یا دوّم یا سوم یا چهارم، می‌فرماید در آسمان هفتم که آن مقام تجلیات ذاتیست - این در آنجا یک ملکی را خداوند در آنجا قرار داده است که به او می‌گویند داعی یعنی کسی که می‌خواند، افراد را می‌خواند، صدا می‌زند» **فَإِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَجَبٍ يَنَادِي ذَلِكَ الْمَلِكَ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْهُ إِلَى الصَّبَاحِ** «وقتی که ماه رجب داخل می‌شود این ملک هر شب تا صبح صدایش بلند است» **طُوبَى لِمَنْ لَدَاكَ رَجَبٌ، طُوبَى لِمَنْ لَدَاكَ رَجَبٌ، طُوبَى لِمَنْ لَدَاكَ رَجَبٌ** «خوشا به حال آن کسی که در حال ذکر است، خوشا به حال آن کسانی که در حال اطاعتند» **يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى -** اینها را آن ملک دارد می‌گوید، **ها این اختصاص به ماه رجب دارد - أَنَا جَلِيسٌ مِنْ جَالِسِي** «من همنشین کسی هستم که او بیاید و خود را با من همنشین کند» **وَمُطِيعٌ مَنْ أَطَاعَنِي** «من اطاعت کسی را می‌کنم که او اطاعت مرا بکند» **بِئِينِد!** خدا دارد می‌گوید من اطاعت می‌کنم و **غَافِرٌ مَنْ اسْتَغْفَرَنِي** «و می‌بخشم کسی که از من طلب بخشش کند» **الشَّهْرُ شَهْرِي** «این ماه، ماه من است» **وَالْعَبْدُ عَبْدِي** «این بندگان همه بندگان من هستند» **وَالرَّحْمَةُ رَحْمَتِي** «رحمت هم اختصاص به من دارد» **فَمَنْ دَعَانِي فِي هَذَا الشَّهْرِ أَجَبْتُهُ** «کسی که بخواند مرا در این شهر او را اجابت می‌کنم» **وَمَنْ سَأَلَنِي أُعْطِيْتُهُ** «کسی که از من بخواهد به او می‌دهم» **وَمَنْ اسْتَهْدَانِي هَدَيْتُهُ** به این عبارت خیلی توجه کنید «کسی که در این ماه از من طلب هدایت کند من او را هدایتش می‌کنم» یعنی تمام جمالاتی که در اینجا هست یک طرف این یک فقره در اینجا یک طرف. ما در این ماه باید از خدا بخواهیم که خدا ما را هدایت کند، هدایت کردن یعنی موانع را از جلوی راه برداشتن، راه خود را مستقیم کردن و از خطرات حفظ کردن. **وَجَعَلْتُ هَذَا الشَّهْرَ حَبْلًا بَيْنِي وَبَيْنَ عِبَادِي** «من این ماه را ریسمان بین خودم و بین بندگانم قرار دادم» **فَمَنْ اخْتَصَمَ بِي وَصَلَ إِلَيَّ** «هر کسی که به این ریسمان چنگ بزند به من می‌رسد» این یک روایتی که در اینجا هست. روایت دیگری دوباره از پیغمبر اکرم در اینجا نقل می‌فرمایند که: تمام ملائکه در شب اوّل رجب تمام ملائکه آسمان و زمین، همه در خانه کعبه جمع می‌شوند در آن شب و در آنجا مشغول طواف می‌شوند. لذا مکه و عمره رجبیه ثواب حج را دارد و بسیار مؤکد است همانطوری که مرحوم آقا در روح مجردشان

فرمودند زیارت علی بن موسی الرضا علیهما السّلام ثواب حج را دارد در ماه رجب و حتّی طبق آن روایاتی که نسبت به زیارت امام رضا علیه السّلام آمده خیلی روایات عجیب است. ما حتّی راجع به سیدالشّهداء هم عجیب است که یک همچنین روایاتی نداریم یعنی با این خصوصیات که مثلاً سیدالشّهداء دارد روایات اکیده‌ای که همه ائمّه هم توصیه داشتند بر زیارت امام حسین علیه السّلام ولی عجیب این است که روایت زیارت علی بن موسی الرضا یک چیز دیگر است، بخصوص در ماه رجب و توفیق الهی نصیب هر کسی شده است که بتواند امام رضا علیه السّلام را در این ماه زیارت کند و از آن حضرت خلاصه بخواهد، ول نکند، بیاید یک زیارتی بکند و بگوید: خداحافظ شما و...، نه، برود بچسبد و بگوید باید بدهی و تا ندهی ما نمی‌رویم از اینجا، امام رضا هم به خاطر این که خودش را راحت کند می‌گوید: خیلی خوب می‌دهیم، راحت می‌اندازیم.

قضیه‌ای من یادم آمد. یک شخصی رفته بود - واقعاً انسان باید از این گونه مسائل عبرت بگیرد - رفته بود خدمت علی بن موسی الرضا آن هم در آخر عمرش. این قضیه را من از آن شخص در وقتی به یاد دارم که با عصا به زور در خیابان راه می‌رفت این شخص، این با عصا راه می‌رفت و به زور قدش خمیده و خلاصه پاش لب... یعنی واقعاً از آن افرادی بود که مصداق پاش لب گور بود، مصداق اینها بود و این رفته بود خدمت علی بن موسی الرضا در یک همچنین وضعی و از حضرت کیمیا می‌خواست. اگر برای خودت می‌خواهی که خودت داری می‌میری، اگر برای دیگران می‌خواهی و دیگران هم خدایی دارند و رفته بود کیمیا می‌خواست. و بعد با یک عبارت غلاظ و شیداد که ای علی بن موسی الرضا! تو را به جان مادرت فاطمه زهرا قسم می‌دهم که باید به من کیمیا بدهی، طلا بدهی، چه بدهی، کیمیا یعنی طلا دیگر، همین طلا، طلا بدهی. بعد حضرت به خواب یک شخصی آمده بود و گفته بود: بابا برو ما را از دست این نجات بده، بهش بگو تو چهار ماه دیگر میمیری، چی از ما کیمیای می‌خواهی؟ آن شخص هم رفته بود و اتفاقاً توی خیابان باهش برخورد کرده بود و گفته بود تو از امام رضا کیمیا می‌خواهی؟ این خیلی خوشحال شده بود گفت: حتماً می‌خواهد به من بدهد، چون کسی اطلاع نداشت دیگر. گفت: بابا حضرت دیشب به خواب من آمد گفت: بیا من را از دست این نجات بده، این ما را به مادرمان قسم می‌دهد، فلان می‌کند، چی می‌کند، چهار ماه دیگر تو می‌میری. چهار ماه دیگر هم مُرد. حضرت خواستند متنبّه‌اش کنند.

حالا شما ببینید این امام رضا علیه السّلامی که نشسته دم یک دریایی که این دریا انتها ندارد اقیانوس کبیر چیه؟ اقیانوس کبیر قطره‌ایست از آن دریا، واقعاً قطره است، حیف قطره. واقعاً اصلاً

نمی‌شود اسم گذاشت. آن وقت این امام رضا با این دریا نشسته می‌گوید: هر چه بخواهید من می‌دهم آن وقت ما بلند بشویم برویم چه داعی‌هایی داشته باشیم، چه خواسته‌هایی داشته باشیم، چه طلبه‌هایی داشته باشیم. خجالت ندارد؟ فلهدا خودشان گفته‌اند: خودشان گفته‌اند که ما می‌دهیم حالا که گفتند باید پایش هم بایستند، ما هم می‌رویم و خلاصه به امام رضا علیه‌السلام عرض می‌کنیم که شما به آن استکبار و آنانیت ما نگاه نکن، شما به آن بزرگواری و کرامت و عنایت بی‌کران و لطف بی‌کران و رحمت بی‌کرانی که خداوند برای شما قرار داده شما با او ما برخورد کن. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: اللَّهُمَّ وَ آخِذْنَا بِعَفْوِكَ وَ لَا تُؤَاخِذْنَا بِعَدْلِكَ. «خدایا با عفو تو با ما برخورد کن و با عدلت برخورد نکن.»

این ملائکه می‌آیند در کعبه و به دور کعبه طواف می‌کنند و خداوند به اینها خطاب می‌کند که: ای ملائکه من! از من بخواهید که هر چه می‌خواهید به شما عطا می‌کنم. ملائکه، اینها آدم‌های با مروّتی هستند. می‌گویند: - سالک باید رفیق باشد، با معرفت باشد، تنها تنها نخورد، خلاصه به یاد رفقاییش هم باشد. این ملائکه اینها همه از سَلَاکِ حسابی هستند، برای خودشان دعا نمی‌کنند می‌گویند: - خدایا! خواست ما از تو اینست که به افرادی که در این ماه روزه می‌گیرند و عبادت تو را می‌کنند حاجات آنها را بدهی. این خواست ملائکه است در شب اوّل ماه رجب. خداوند می‌فرماید که: من حاجت شما را برآورده کردم. این دیگر شمه‌ای از آنچه که در این ماه بود ما عرض کردیم. روایت از پیغمبر اکرم است و عرض کنم که البته آنها هم بی‌حساب نمی‌گویند، که چون می‌دانند که به حساب خودشان هم نوشته می‌شود. دنیا آقا! دنیای معامله است، دنیای معاملات است، آنها به خدا می‌گویند: خدایا! آنها را درست کن، آنها درست کنند ما را درست می‌کنند. خلاصه علی‌ای حال اما بالأخره. فلهدا مرحوم حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی اَعْلَى اللَّهِ مَقَامَهُ در این کتاب شریف المراقبات ایشان می‌فرمایند که: رعایت ادب و شکر نسبت به ملائکه این است که انسان در ماههای رجب بر ملائکه درود بفرستد حالا که آنها دارند برای ما پیش سلطان استدعاء می‌کنند و حاجات را پیش سلطان انسان هم یک تشکری از آنها باید داشته باشد. این ماه ماه رجب است.

ماه رجب ماهی است که هر چه رفقا بیشتر مراقبه کنند در این ماه، باز کم کردند. ببینید من این تعبیر را می‌کنم: هر چه بیشتر مراقبه کنید، باز کم کردید. صحبت کردن در این ماه حتی به مسائل صحیح هم مناسب نیست. صحبت کردن از کیسه انسان کم می‌کند. وقتی که شما یک حالی دارید، یک وزانی در خودتان احساس می‌کنید، همین قدر بیائید صحبت کنید، حرف بزنید، این حرف زدن من نمی‌دانم

چه تأثیری دارد - البتّه إنشالله بعد در همین فقرات عنوان بصری راجع به کثرت کلام مطلب می آید و در آنجا عرض می کنم - حالا به نحو اجمال که یکی از مسائل بسیار مهمّی که بزرگان به افراد تذکر می دادند قلّت کلام بود. قلّت کلام موجب می شود حالتی که برای انسان پیدا بشود در نفس باقی بماند. نیاید بیرون. کلام به لغو و لعب و این حرفها که هیچ، اصلاً در او بحثی نیست که آن به طور کلی نه تنها مزمل و زایل می کند، بلکه اصلاً آنچه که انسان یافته از آن هم می گیرد. نخیر، اصلاً بحث در کلام صحیح است، بحث در کلام حقّ است. حتّی کلام صحیح را هم انسان نگوید، کم بگوید. سکوت خیلی عجیب است. سکوت یک وزانی را در انسان به وجود می آورد که با حرف، یک همچنین وزان و یک همچنین متانتی و یک همچنین پُری که لازمه این قضیه این است که افاضات الهی بر قلب انسان بیاید، با صحبت یک همچنین چیزی نمی آید. افرادی که زیاد صحبت می کنند، قلب آنها مشوّش است، اضطراب دارد. دیدید بعضی ها مختلف بعضی ها فرض کنید که ما مثلاً دیدیم، مرحوم علامه طباطبایی یا مثلاً بزرگانی را دیدیم یا مثلاً مرحوم آقای حدّاد، در مجلس که می نشستند، تا از ایشان سؤال نمی کردیم جواب نمی دادند؛ یا علامه طباطبائی، یک ساعت می نشستیم، همینطور به انسان نگاه می کرد. ولی بعضی ها می گویند: آقا! یعنی چه؟ انسان بنشینند هی همینطوری نگاه بکند، ساکت، یک حرفی بزنیم، یک چیزی، آقا! هوا گرم است، خیابان شلوغ است، جنسها گران شده، یک حرفی بالأخره بزنیم، یعنی چه آخر این؟

اینها اضطراب دارند، در نفسشان اضطراب دارند، این اضطراب نمی گذارد که آرام باشند. ارتباط انسان با اینگونه افراد برای انسان مضرّ است. انسان با افرادی باید ارتباط داشته باشد که این حالت در آنها کمتر است، حالت سکون و آرامش در آنها بیشتر است و در این زمینه روایات زیاد است که ملائکه در سکون اند، شیاطین در اضطرابند، اینها مطالب بعد خواهد آمد.

در ماه رجب مراقبه را باید ما بیشتر کنیم و بدانیم که اگر این کار را انجام ندهیم، این ماه می گذرد و آن نتایجی که بر ما مترتب می شود، مترتب نخواهد شد. حالا یک کسی نمی خواهد از فضائل ماه رجب استفاده کند، ما داعی نداریم که خود را وابسته به او کنیم. یک کسی می خواهد بر همان طریقه افراد مثل افراد معمولی و عادی حرکت بکنند، شاید او مایل نباشد از مواهب این ماه استفاده کند، ما نمی توانیم خود را... نه، انسان باید بداند که موقعیت هر کسی اختصاص به او دارد و این دیگر موقعیت پیدا نمی شود و دیگران جوابگوی از تفریطهای ما نخواهند بود.

فلهذا المؤمن کیس «آدم مؤمن، رند است» و آدم رند و زرنگ آن کسی است که از بهترین

فرصتها، بهترین نتیجه‌ها را می‌گیرد؛ این را می‌گویند آدم رند و زرنگ. اگر قرار است انسان زرنگ باشد، زرنگ در امر آخرتش باشد. به قول معروف یک روز بهلول رفت هارون به او گفت، گفتش که: یک خورده برای من از زهد صحبت کن، یک قدری دلم سخت شده. گفتش که: تو باید برای من حرف بزنی. گفت: چرا؟ گفت: تو که از من زاهدتری. گفت: چطور مگر؟ گفت: من نسبت به دنیا زهد می‌کنم، تو نسبت به آخرت زهد می‌کنی، تو مقامت بالاتر است. آخرت کجا، دنیا کجا؛ تو خیلی زاهدی؛ تو آخرت را ول کردی، من دنیا را ول کردم، پس تو زاهدتری. حالا آدم رند و زرنگ به آن آدمی می‌گویند که خودش را - آقا! - معطل دیگران نکند. این می‌شود آدم زرنگ. معطل دیگران: این چطور است، من هم اینجور باشم؛ پا به پای او بخواهم بیایم. نه، آقا جان! دیگران حساب و کتابی برای خودشان دارند، ما برای خودمان حساب و کتابی داریم. هر کسی برای خودش حساب و کتاب خاص... معطل بقیه بخواهیم بشویم قافیه را باختیم؛ قافیه را از دست دادیم. پس به دنبال این بگردیم چه کاری انجام بدهیم که بهتر بتوانیم بیشتر استفاده بکنیم. لذا مراقبه در ماه رجب بسیار تأکید شده و روزه در ماه رجب به اندازه‌ای تأکید شده که شاید مضمون بعضی از روایات به نظر انسان اغراق آمیز بیاید، در روزه ماه رجب؛ خیلی عجیب، امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید - روایتش در همین مفاتیح هم هست - به سالم می‌فرماید که: از ماه رجب را چه قدر روزه گرفتی؟ - او آخر ماه رجب بود - گفت: هنوز روزه نگرفتم. حضرت فرمودند: آن قدر ثواب از تو فوت شده است که غیر از خدا کسی نمی‌داند. یعنی چه؟ ثواب چه؟ ثواب یعنی در ارتباط تو با پروردگار آن قدر مواهب الهی از تو فوت شده و برکات از تو فوت شده که ثوابش را نمی‌داند کسی غیر از او، در قرب نسبت به خودش. لذا حتی امکان در صورتی که برای انسان ضعفی عارض نشود، دأب و دیدن بزرگان بر این بود که از ماه رجب را حتی امکان روزه بگیرند و اگر کسی نتوانست روزه بگیرد و عذری داشته باشد، هر روز صد مرتبه این ذکر را هم که در مفاتیح است و امام علیه‌السلام می‌فرماید، این ذکر را بگوید: *سُبْحَانَ إِلَهِ الْجَلِيلِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ، سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ، سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْعِزُّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ* این را صد مرتبه بگوید، ثواب روزه را به او می‌دهند.

یکی از مسائلی که خیلی مؤکد است در این ماه، و همینطور در ماه شعبان و ماه رمضان، این ذکر مدامی است که انسان آن ذکر مدام را دارد. ذکر مدام آن ذکر است که عدد ندارد و انسان بدون عدد می‌تواند آن ذکر را بگوید. این ذکر، ذکر مدام بهش می‌گویند؛ جزء اذکار عددیه نیست و اشکالی هم ندارد برای شخصی که بگوید. مثل ذکر *لا إله إلا الله*. همینطور به نحو مدام انسان آن ذکر را بگوید. دارد

راه می رود لا إله إلا الله بگوید. نشسته است، آرام بدون اینکه حتی کسی هم بفهمد یا مثلاً دهان او حرکتی داشته باشد، ذکر لا إله إلا الله بگوید. این خیلی مناسب است. یکی از آن اذکار، ذکر یونسیه است که (أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ) است که توصیه شده که بدون عدد. اگر کسی می تواند صد مرتبه مثلاً بگوید بین الطلوعین. اگر یکی می تواند، دوست مرتبه بگوید. این ذکر یونسیه بسیار مهم است منتهی بدون عدد؛ پنجاه مرتبه، هفتاد مرتبه، صد مرتبه، صد و پنجاه مرتبه، هر کسی به آن مقداری که خسته نشود و خیلی از بزرگان تأکید کردند و خود حقیر از مرحوم آقای حدّاد - رضوان الله علیه - شنیدم که ایشان می فرمودند که: گنجهایی در این ذکر یونسیه نهفته است و اگر شخصی مداومت داشته باشد، خداوند او را به يك نعمت خیلی بزرگی او را می رساند. این هم یکی از آن مواردی است که برای خصوص ماه رجب و شعبان و رمضان توصیه شده.

و از مطالبی که هست و تأکید شده در آن، قرائت ادعیه ماه رجب است، بخصوص این دعای معروف که از ناحیه امام زمان علیه السلام، آمده، اللهم انی اسئلك بمعانی جمیع ما يدعوك به ولاة أمرک این بسیار دعای عجیبی است، بسیار دعای عجیبی است و یک شب مرحوم آقا - من یادم است، در مسجد قائم، شب سه شنبه - این فقره اول این دعا را معنا می کردند، فقره اولش را و خیلی مسائل عجیبی می فرمودند. همان قضیه رسید به لی مع الله حلاله لا یسعها ملک مقرب و لا نبی مرسل، این دعا اشاره به این است و عجیب اینجاست که ادعیه ماه رجب، همه ادعیه توحیدی هست و جنبه توحیدی در این ادعیه لحاظ شده است و بهتر است که انسان این ادعیه را در روز بخواند؛ فرض کنید که یکی از این دعاها را بعد از نماز صبح بخواند، یکی از این دعاها ماه رجب را - چند تا دعا هم بیشتر نیست - در بین نماز ظهر و عصر بخواند، یکی از آنها را قبل از غروب آفتاب بخواند و یکی از آنها را در بین نماز مغرب و عشاء و یکی اش را فرض کنید که من باب مثال قبل از خواب، مثلاً، بخواند و اینها ادعیه بسیار عجیبی است که اینها اثرات بسیار عالی دارد در نفس انسان و راجع به سکوت هم که عرض شد.

یکی از دعاهایی که در ماه رجب خواندنش در هر روز وارد است، این دعای امام صادق علیه السلام است که در مفاتیح هم دارد که حضرت این دعا را در هر روز می خواندند: خَابَ الْوَاوِفِدُونَ عَلَىٰ غَيْرِكَ وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ. «خاب» یعنی خائب شد. خائب یعنی کسی که دیگر امیدی به رسیدن به مطلوب ندارد، کسی که از کاروان عقب بماند، می گویند خائب است. خائب و خاسر، دو

عبارتی است مضمونش نزدیک به هم است. خائب به کسی می‌گویند که مطلبی را از دست می‌دهد، مطلب را از دست می‌دهد. خاسر به کسی می‌گویند که خسران زده است، یعنی نه تنها مطلب را از دست می‌دهد، دیگر هم به دست نمی‌آورد و نمی‌تواند به او برسد. خاب الوافدون علی غیرک «تمام آن کسانی که وفود کردند، وارد شدند بر غیر تو، اینها دستشان خالی است» اینها هیچ مایهٔ پُرکننده ندارند. چون غیر از تو پوچ است، غیر از تو عدم است، غیر از تو حُباب است. افرادی که به دنبال غیر از تو رفتند و بار خودشان را در آستانی غیر از آستان تو فرود آورند، به دنبال مقام رفتند، به دنبال مال رفتند، به دنبال کسب شهرت رفتند، به دنبال استفاده رفتند - استفادهٔ دنیوی - تمام این افراد، اینها خائبنده. افرادی که به دنبال حَتّی غیر از جنبهٔ مادی، حَتّی به دنبال بزرگی رفتن، حَتّی به دنبال امام رفتن، ولی این به دنبال امام رفتنش، امام را در تعیین و در حد دیدن و بدون توجه به توحید به او نگاه کردن، باز این خاب الوافدون است. آن کسانی که ولایت را جدای از توحید می‌دانند و ولایت را یک مرتبه‌ای مادون توحید می‌دانند و به امام نه به عنوان وسیله بلکه به عنوان موضوعیت نگاه می‌کنند، باز اینها حسابشان با آن کسانی که به خود ذات پروردگار توجه دارند و امام را وسیلهٔ برای وصول به او می‌دانند، تفاوت می‌کنند.

و خسر المتعرضون الا لک «خسران زده‌اند، خسران زده شده‌اند و خاسرند آن کسانی که متعرض غیر تو شده‌اند.» غیر تو را به حساب آورده‌اند، افراد دیگر را به حساب آوردند، حسابهایی در ارتباطاتشان در نظر گرفتند، حساب و کتاب در ارتباطاتشان مدّ نظر قرار دادند. خدا شاهد است که یک خطور که از انسان سر بزند، یک خطور، یک خطور که این خطور، خطور غیر الهی باشد، خطور، خطور مادی باشد، خطور، خطور دنیوی باشد، به پای انسان می‌نویسند؛ یک خطور: با این رفیق بشویم، به درمان می‌خورد. بد نیست حالا فرض بکنید که سلام، علیکی با این داشته باشیم. اینها همه‌اش چیست؟ اینها همه‌اش خسرالمتعرضون الا لک. تمام کسانی که متعرض غیر تو شدند، اینها خسران پیدا می‌کنند. یک روزی همین می‌آید و پشت می‌کند. همین می‌آید و بی‌توجه...، آن وقت انسان خسران زده یعنی چه؟ یعنی اینکه: عجب! من که دو سال با این بودم، این همینطور سر یک مطلب واهی گذاشت رفت؟ این ناراحتی که برای انسان پیدا می‌شود، این ناراحتی مال چیه؟ مال این نیست که این گذاشته رفته، مال این نیست که...؛ دو سال این سرگردان این بوده، دو سال بیکار این بوده و دو سال علاّف این بوده و دو سال در ذهن خودش چیزهای دیگری را ترسیم می‌کرده، این مال این است اینقدر ناراحت می‌شود. یعنی چه؟ یعنی «خاسر». حالا اگر دو سال انسان باشد ولی تعلق نداشته باشد،

حالا وقتی که برود، ناراحت می‌شود؟ نه، می‌رود که می‌رود، برود، می‌رود که برود. ناراحتی دارد؟ دوباره برگردد، می‌خواهد برگردد، می‌خواهد برنگردد. چرا ناراحتی ندارد؟ به خاطر اینکه دل در اینجا گرو نگذاشته، متعرض او نشده، ارتباط داشته، ولی متعرض دیگری بوده، دل در گرو دیگری گذاشته و او هم که هیچ وقت از بین نمی‌رود. حالا اگر او از بین رفت خب انسان دیگر باید خلاصه، ندای و مصیبتایش برود بالا. ولی نه، او از بین نمی‌رود. ولی غیر از او همه می‌روند. ما به چه کسانی دل بسته بودیم؟ ما به چه کسانی تعلق داشتیم در زمان مرحوم آقا؟ به چه کسانی؟ به چه افرادی دل بسته بودیم؟ به چه افرادی تعلق داشتیم؟ به چه افرادی پشت گرم بودیم؟ به چه افرادی توجه داشتیم؟ کجایند؟ کجایند؟ رفتند همه. اینهم نتیجه و خسرو المتعرضون الالک. پدر به ما گفت: متعرض نباش! حرفش را گوش ندادیم. گفت به ما و گوش ندادیم. البته خیال می‌کردیم مطلب جور دیگر است و حالا ایشان مثلاً نظر جدی ندارد. حالا می‌فهمیم: نه بابا! جدی داشت می‌گفت، داشت جدی می‌گفت و اینها همه برای انسان عبرت است.

و ضَاعَ الْمُؤْمِنُ إِلَّا بَكَ - دیگر چون دیگر وقت گذشته تند این ترجمه می‌کنیم و بعد عرائضی... - و ضَاعَ الْمُؤْمِنُ إِلَّا بَكَ «ضایع شدند، از بین رفتند آن کسانی که امام کردند، فرو افتادند، خود را انداختند مگر به تو» و أَجْدَبَ الْمُتَتَجِعُونَ إِلَّا مَنْ اِتَّجَعَ فَضْلَكَ «به تنگدستی و فقر رسیدند آن کسانی که طلب کردند غیر از تو را». «بابُکَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاعِبِينَ» «باب تو و در رحمت تو همیشه برای کسانی که رغبت دارند به آن مسائل و به آن تجلیات، همیشه باز است». «و خَيْرُکَ مَبْدُولٌ لِلطَّالِبِينَ» «و خیر تو همیشه برای طالبین مبدول است». «و فَضْلُکَ مُبَاحٌ لِّلسَّائِلِينَ» «برای سائلین، فضل و احسانت مباح است». «و نَيْلُکَ مُتَاحٌ لِّلْأَمْلِينَ» «نیل و فیض رحمت تو و عطا و بخشش تو، متاح است، در دسترس است، برای کسانی که آرزومندند، در دسترس است». «و رِزْقُکَ مَبْسُوطٌ لِّمَنْ عَصَاکَ» «رزق تو پخش است برای کسی که تو را حتی عصیان کند». «و حِلْمُکَ مُعْتَرَضٌ لِّمَنْ نَاوَاکَ» «به کسی که قصد دشمنی با تو را دارد، حلم تو، معترض است و شامل حال او هم خواهد شد». «عَادَتُکَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ» «عادت و صنیعه تو و روش تو، احسان به گناهکاران». «و سَبِيلُکَ الْإِبْقَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ» «راه تو، ابقاء و حفظ است بر کسانی که تعدی می‌کنند». «اللَّهُمَّ فَاهْدِنِي هُدَى الْمُهْتَدِينَ» اینجا دیگر مطلب یک قدری بالا می‌رود و سطح دعای حضرت اوج می‌گیرد. خدایا! حالا که این طوره، حالا که تو دارای این خصوصیات هستی و حالا که تو یک همچنین اوصافی داری، پس تو مرا به هدایت مهتدین راهنمایی کن، از تو چیزی کم

نمی‌شود. تو که عطای تو شامل همه است، تو که راه تو برای همیشه باز است، تو که حلم تو معترض است برای کسی که دشمنی می‌کند، پس حالا بیا دست مرا بگیر! وَارْزُقْنِي اجْتِهَادَ الْمُجْتَهِدِينَ «اجتهاد و جهد آن افرادی که واقعاً جهد می‌کنند، آنها را نصیب من بگردان.» وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ «و مرا از غافلینِ مبعدینِ از رحمت خودت قرار نده.» وَاعْفِرْ لِي يَوْمَ الدِّينِ «و مرا برای روز جزا مورد آمرزش قرار بده.»

مطلب دیگری را که مرحوم آقا ذکر می‌فرمودند راجع به اعمال شب اوّل جمعه ماه رجب است اوّلین شب جمعه ماه رجب که به او لیلۃ الرّغائب می‌گویند. رغائب جمع رغیبه به معنای آن پادشاهای بسیار ارجمند و سَمین و گران سنگ. شبی است که بسیار مهمّ است و همه اساتید تأکید داشتند بر این که شاگردانشان این اعمال امشب را همان شب لیلۃ الرغائب را آنها بجا بیاورند بین نماز مغرب و عشاء است و در مفاتیح هم هست و پیغمبر اکرم فرمودند که: کسی که ماه رجب بر او وارد بشود در حالی که او پنج شنبه را روزه گرفته باشد و این اعمال را در شب جمعه بخواند کذا و کذا مسائلی که هست.. کلّ عملش هم نیم ساعت بیشتر نمی‌کشد، کلّ عمل لیلۃ الرغائب، کُلّش بیشتر از نیم ساعت طول نمی‌کشد. نمازیست که بعد از حمد یازده مرتبه **قُلْ هُوَ اللهُ** و سه مرتبه **اِنَّا انزلنا** چند مرتبه **قُلْ هُوَ اللهُ** و بعد هم سر به سجده هفتاد مرتبه **سُبُوْحٌ قُدُّوْسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوْحِ** بعد دوباره می‌نشیند، دوباره بعد به سجده می‌رود، استغفار می‌کند و بعد در آن به اصطلاح هر حاجتی که از خدا هست می‌خواهد، در مفاتیح نوشته شده. علی کلّ حال ماه بسیار مهمّی است و همین طور ماه شعبان و رمضان و این سه ماه خلاصه از نعم الهیست بر بندگانش که این سه ماه را پشت سر هم از ماههای متبرّکه قرار داده و دستورالعملی که مرحوم آقا - رضوان الله علیه - به شاگردانشان می‌دادند همان دستورالعملی است که مرحوم قاضی به شاگردانشان دادند و این دستورالعمل وجود دارد رفقا تهیه کنند و آن چه را که در آن نوشته شده است می‌توانند در این سه ماه عمل کنند، هر چه در آن دستورالعمل مرحوم قاضی نوشته شده و ان شاء الله که امیدواریم خداوند ما را موفّق کند بر این که بتوانیم هر چه بیشتر از فیوضات و برکات این ماههای شریف متمتع باشیم.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ